



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
فکس: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharghnewsaper.ir

تهران : اذان: ظهر ۱۳:۱۳ اذان مغرب ۲۰:۳۵ اذان صبح فردا ۴:۲۸ طلوع آفتاب ۶:۰۷

شرق

روزنامه

سه‌شنبه ۳ مرداد ۱۳۹۱ = ۴ رمضان ۱۴۲۲ = ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۲ = سال نهم = شماره پیاپی ۱۵۸۵ = شماره ۶۶۰ دوره جدید = ۲۰صفحه

واژگان یک فرهنگ

«پول»؛ جدال اخلاق و ثروت



ناصر فکوهی

■ نظام پیش از انقلاب با وارد کردن رآمدهای نفتی به روابط گسترده اجتماعی و درگیر کردن کنشگران در این روابط پولی، آغازگر تغییرات اساسی در سازوکارها و تعاملات فرهنگی بود. درآمدهای نفتی هرچند برای ساختن زیربناهای مفید بودند و امکان دادند گروهی از فضاهای جدید ساخته شده ویرانه‌هایی اجزای فرهنگیان فرهیختهای به کشور دعوت شوند، اما تزریق شدید پول در سطح جامعه فاصله طبقاتی را زیاد کرد و رفتارها را به سوی پولی‌شدن شدید پیش برد، به نحوی که پول از ابزاری برای مبادله به سرمایه‌ای اجتماعی تبدیل شد و مفاهیمی چون «تازه به دوران رسیدگی» گویای رقابت کنشگران بر سر ادعای برخورداری از این سرمایه بود. افراد می‌توانستند به‌شدت مصرف و آن را در قالب آنچه در زبان عمومی «بریز و بپاش» نامیده می‌شد، در همه ابعاد زندگی خود وارد کنند. اما تزریق پول در یک رژیم غیردموکراتیک نمی‌توانست تبعات مثبتی داشته باشد زیرا هم ایجاد اختلاف طبقاتی بالا بود، هم علمی‌برای انفجار اجتماعی و هم این نابرابری‌های سلسله مراتبی عمودی را در یک نابرابری افقی در برخورداری از پول تعمیم می‌داد: «پول داشتن» به معنای «پولسار بودن» نبود، زیرا لزوماً به برخورداری از «متمنّیات» اجتماعی ناشی از پول به‌ویژه در حوزه مصرف نمی‌رسید: بسیاری از مکان‌های لوکس و پر هزینه همچون رستوران‌ها و نقاط گران قیمت خدماتی به روی افرادی با ظاهر «سنتی» بسته بود، حتی اگر پول داشتند. پول ایدئولوژی‌ه می‌شد و نمی‌توانست در قالب‌های بازار آزاد عمل کند بلکه به شدت در چارچوب ساختار منبع اصلی ایدئولوژیک خود یعنی دولتی با یک رویکرد سطحی «غرب‌گرا» باقی می‌ماند. انفجار انقلابی واکنشی بود به این شیوه‌ها و در سال‌های نخست انقلاب و جنگ تحمیلی، گفتمان غالب در حوزه پول گفتمانی اخلاق‌گرایانه بود که به شدت بر سلاطه زیستی و پرهیز از رفتارهای زندگی «طاغوتی» مصرف‌گرا تأکید داشت. این گفتمان تقریباً به صورت کلمه‌ی نه تنها در ادبیات شفاهی و مکتوب رسمی به‌رغم اختلافات عقیدتی احتمالی رایج بود، حتی به گونه‌ای به کل جامعه روشنفکری نیز سرایت کرده و برخی از گروه‌های روشنفکری به‌ویژه با گرایش‌های «چپ»، این گفتمان را در همراهی و در راستای ایدئولوژی‌های ضد سرمایه‌داری خود می‌دیدند و مفهوم حمایت از «مستضعفین» و مبارزه با «فره‌پا بی‌درد» از چیزی در حد رابطه طبقات متخاصم می‌دیدند که در باورهای خویش آن را تبلیغ می‌کردند. البته شکاف‌های دیگری که در جامعه ایرانی ایجاد شد و تحولات بعدی، این توهمات را از میان برد در نخستین سال‌های انقلاب، شعارهای عدالت طلبی با کاهش فاصله طبقاتی و به‌هدایت بخش بزرگی از ثروت‌ها به سوی روستاها تا حدودی جامعه را به سوی تعدیل در توزیع ثروت و دموکراتیزه شدن اقتصاد آن پیش برد. با وجود آن، اتصال گسترده نظام‌های روستایی و شهرهای کوچک به کل شبکه‌های توزیع پول سبب شد که رفتارهای پولی، ولو تعدیل یافته به آنها نیز سرایت کند که این امر در آن زمان هنوز چندان تأثیر اجتماعی خود را نشان نمی‌داد. در حالی که با پایان یافتن جنگ، گرایش جدیدی در طول دوره‌ای طولانی (۱۳۸۴- ۱۳۸۸- ۲۰۰۵- ۱۹۸۹) آغاز شد که عناصر پولی و اقتصاد لیبیرالی را به شدت در جامعه گسترش داد. نظام‌های توزیع سرمایه، بنیادهای مالی و فعالیت‌های گسترده سودمندان در حوزه دولتی، به شدت فرآیند بازگشت گروهی از رفتارهای مصرف‌گرا را سبب شد که البته بار دیگر با واکنش شدیدی از سال ۱۳۸۴ روبه‌رو شد زیرا بسیاری معتقد بودند این فرآیندها کل دستاوردهای ارزشی انقلاب را به خطر می‌اندازد. با وصف این دوره تجدیدنظر در مصرف‌گرایی از ۱۳۸۴ با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. نخستین «مشکل» نیز درآمد عظیم نفتی و سوسه همیشگی «پول‌درمانی» مسائلی اجتماعی بود. مشکل دیگر هدایت مسیرهای «پول‌شویی» به این سوی عالم و افزایش نقدینگی در سطح جامعه و کاهش سازوکارهای کنترل نهادهای بود که امکان فساد مالی را به شدت افزایش می‌داد. به این ترتیب دردت بر خلاف آنچه تصور یا ادعا می‌شد، روابط پولی با رهم به شدت بیشتری گسترش یافتند و ارزش‌های اخلاقی جامعه را زیر ویرش خود گرفتند، واژگان مربوط به «ختلاس» و انواع آن و ارقام نجومی در زبان مردم و رسانه‌ها رایج شدند. حذف بارانه‌های غیرمستقیم و تزریق پول به‌ویژه به روستاها نیز این روند را تشدید کر. در جامعه به این ترتیب وارد موقعیتی تازه شد: پولی شدن روابط در همه جا. از زبان کوچه و خیابان گرفته تا سریال‌های تلویزیونی، مسئولان، انواع «جوایز» نقدی و غیرنقدی گرفته تا اشکال گوناگون «فرقه‌کشی» و حتی «جایزه» بابت پرداخت به‌موقع عوارض و مالیات، جایی که به اصطلاح رایج «پول حرف اول و آخر را می‌زند» در این حال البته برخی کنشگران اجتماعی امع از مسئولان، شخصیت‌های دینی، اخلاقی، علمی و هنری از این وضعیت ناراضی و نگرانند اما بسیاری نیز چارهای جز تن دادن به این بازی ندارند. موقعیت نخبگان جامعه از دیگران سخت‌تر است، زیرا با سازوکارهایی ساختاری در همه جا از زبان تا خانواده و سبک زندگی روبه‌رو هستند. پول تمایلی ه‌ولناک به حضور و تعیین‌کنندگی در همه جا از فضاهای واقعی تا ذهنیت‌ها، از علم و فرهنگ تا هنر و خلاقیت دارد. آخرین بخش این سناریو وضعیتی است که موقعیت جهانی آن تنها خود از بحران پول‌زدگی در اقتصاد رنج می‌برد بلکه کشور ما را نیز بر یکی از سخت‌ترین تحریم‌ها برده و به‌رغم هر سیاستی که پیش بگیریم در آینده چارهای جز خروج از منطق مصرف‌گرایی پولی با پیشینه درونی شدن ۷۰ساله در خود نداریم.

خبری در روزنامه «شرق» آمده بود که دادگاهی، امر به حراج آثار خانم «هدیه تهرانی» داده است. از این موضوع بسیار متاسف شدم که چرا باید چنین ماجرای برای هر کسی و نه برای هدیه تهرانی پیش بیاید؟ در آن موقع که جریان نمایشگاه خانم تهرانی داغ بود، مطلبی درباره آن در یکی از روزنامه‌های تهران با عنوان «لیک به خون جگر شود» نوشتم. در آن مقاله، من کاری با خانم تهرانی نداشتم بلکه تسویه‌حسابی بود که با سازمان میراث فرهنگی داشتم. بخش‌هایی از آن مقاله در زیر آورده شده است:

«... ولی آنچه بیشتر من را تحت‌تأثیر قرار داد، نوشته از یکی از همکاران عکاس بود، تحت عنوان «گناه او، معصومیت اوست.» و نباید از حق بگذریم و فراموش کنیم که عکس بسیار زیبایی از همکارم، آقای «علیرضا صوت‌اکبر» در حالی که خانم تهرانی را با چشم‌مانی که به آسمان نگاه می‌کند و دست‌ها و انگشتانش نیز به‌طرف بالا کشیده شده‌اند مقاله را مزین کرده بود. نمی‌دانم چه کسی این عکس را برای این مقاله انتخاب کرده بود ولی مقاله و عکس شاهکاری بودند که من را شدیداً تحت‌تأثیر قرار دادند. دست مریزاد عنوانی از این قوی‌تر و در عین حال معصومان‌تر نمی‌شد پیدا کرد.

همین عنوان، باعث شد مقاله را بخوانم. در رهگذار این مقاله، دوست و همکارم، یک مشتعلانی هم به عکاسان پیشکسوت حرفه‌ای دادند که باعث شد من در این نوشتار روی سختم با ایشان باشد.

در بخشی از این مقاله، آمده است: «تفقا سخن بر سر بی‌ضابطه بودن این تاریخچه غیرحرفه‌ای است که حرفه‌ای‌های پیشکسوت ما آن را رقم می‌زنند. این اختلالات رفتاری امروز ناشی از آموزه‌های غلط آنان است که خود به ارث گذاشته‌اند. اگر بزرگان ما این عرصه را ضابطه‌مند می‌ساختند...»

دوست من حتما می‌داند که من یکی از آن سه نفر به‌اصطلاح نسل اول عکاسی ایران هستم. در میان ما سه نفر، دو نفرمان به‌سوی عکاسی تجاری رفتند و فقط من، به‌طرف عکاسی ناب کشیده شدم...و...

«... دو سه سال پیش رییس گروه عکاسی دانشگاه «آزاد» به من گفت در دانشگاه آنان هر سال سه‌هزار دانشجو باید واحد عکاسی را پاس کنند. می‌دانید در هر کنفرانسی، چند تا دانشجو می‌آید؟ شاید ۱۵ نفر و همه این سه‌هزار نفر می‌خواهند در همان سال اول، نمایشگاه بگذارند و معروف شوند و پولدار. خیلی هم زود. آیا من عکاس حرفه‌ای نسل اول و به قول شما پیشکسوت، مسوول این جریان هستم؟ من به آنها می‌گویم باید کار کنید. من به آنها می‌گویم عکاسی نه هنر است، نه تکنیک. یک احساس است و تا عکاس نباشید این احساس را درک نمی‌کنید. دوست من، برای اینکه به‌این احساس برسید، خیلی باید کار کنید

یک جای کار ما ایراد دارد



کامران عدل

تا هنر و تکنیک شما همراه یاتجربه‌ها آمیخته شوند و تشکیل آن احساس را بدهند. می‌دانید؟ عاشق حافظ هستم. یک بیت از اشعارش را خیلی دوست دارم که می‌فرماید:

«گویند سنگ لعل شود در مقام صبر/ آری شود، ولیک به خون جگر شود.»
من به بچه‌های این مملکت، این حرف‌ها را می‌زنم. تا بعد و عمق مشکل را درک کنند. حالا می‌خواهید برای قانونمند شدن روابط اخلاقی در جامعه عکاسی ایران، چماق بردارم و بکوبم توی مخ‌شان. تا به‌خانم هدیه تهرانی شما نپزند؟
همکار عزیز، چه کسی را می‌شناسید که برای کسب حق جوانان این مملکت، به‌اندازه من، با همه درافتاده باشد؟ یادتان هست در موقع دولت اصلاحات، آن آقای رییس موزه هنرهای معاصر را؟ که من به‌خاطر آنکه در بی‌بنال عکس تهران پارتی‌بازی نشود با او و کارشناس محترمش درافتادم؟ و با آنکه اندیشه و فکر باغ ایرانی، به‌صورتی که برگ‌زار شد، مال من بود، خود من را حذف کردند؟»

و در پایان...
«... چرا وقتی قرار است خانم تهرانی وام بگیرد، شما پول‌داری که به ایشان بدهی (منظور، وام‌دهنده بوده است)، ولی، وقتی نوبت به یک عکس بدیخت می‌رسی، دیگر پول نداری و با محدودیت‌های بودجه‌ای مواجه می‌شوی؟ بدیختی در این است که، وقتی چند سال پیش، برای چاپ کتاب مراسم مذهبی‌ام به وزارت ارشاد مراجعه کردم، با وجود آنکه مقدار وام حدود سه‌میلیون تومان بود، آن هم برای کتاب مراسم مذهبی ایران، صندوق وام به بنده گفت پول نداریم. حالا، شما فکر می‌کنید اگر من از این آقای رییس، وام بخواهم به من می‌دهد؟ آیا می‌دانید که عکاسی کردن از آثار میراث فرهنگی ایران ممنوع است؟ برای کسب اجازه یا باید تمام عکس‌هایتان را به آنها بدهید و یا...

نمی‌دانم، چگونه است که بنده، نه تنها نمی‌توانم وامی بگیرم، بلکه برای عکاسی کردن از تخت‌جمشید، باید پولی، یا عکس‌هایی به سازمان میراث فرهنگی بدهم تا اجازه بدهند کار کنم...»

و بعد، من از جریانی که برای خانم تهرانی پیش آمده است، بی‌نهایت متاسف هستم. من عکس‌های خانم تهرانی را ندیده‌ام. حالا اگر در درگیری‌هایی که در آن موقع پیش آمد و کسی به‌محتوای عکس‌ها نپرداخت، این از سوپرستار بودن خانم تهرانی است. در نتیجه به دوستان توصیه می‌کنم که به این حراج رفته و آثار خانم تهرانی را خریداری کنند. عکس‌های ایشان بیش از پولی که درخواست شده است، ارزش دارد. مخصوصاً ارزش لشک‌های خانم تهرانی و خون‌جگری که خوردند، تا لعل شوند را، حتما دارد.

بعداز تحریر، متأسفانه، هنگام حرف‌و‌چپینی این مقاله، خبری مخابره شد، که طی آن آمده بود: حراج برگزار شد... و هیچ‌کس برای خرید آثار نیامده بود. یک جای کار ما ایراد دارد. چون اسکیوی امسال تهران هم...

دکه

«آسمان» شماره ۲۰ منتشر شد

باشگاه، سیاست ایرانی، جهان سیاست، اقتصاد سیاسی جامعه و فرهنگ از دیگر بخش‌های این مجله هفتگی است. هفت‌نامه‌های جهان بخش دیگری از «آسمان» است که در آن به بررسی مقالاتی از «کونومیسٔ»، «آیام»، «لوپوئن» و «شپینگل» پرداخته شده است.
شماره ۲۰ «آسمان» در صد صفحه به قیمت ۳۰۰۰ تومان در دسترس مخاطبان است.



شماره ۲۰ مجله هفتگی خبری-تحلیلی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی «آسمان» منتشر شد. در این شماره گفت‌وگویی با سفیر ایران در سوریه در سال ۱۳۶۰ می‌خوانید. سید علی‌اکبر محتشمی‌پور در این گفت‌وگو از پیام محرمانه امام خمینی(ره) به «خافظ اسد» می‌گوید. مناسبتی است و ایران و سوریه، تاسیس حزب‌الله لبنان و... در این گفت‌وگو مطرح شده است.

برش از اخبار

برق، اجراهای تئاتر شهر را نیمه‌کاره گذاشت



گروه هنر: قطع ناگهانی برق
تئاتر شهر در روز دوشنبه دوم مرداد ۱۳۹۰ باعث تعطیلی این مجموعه در زمانی شد که همه سالن‌های نمایشی، آماده اجراهای خود بودند.
این قطع برق برخی از اجراهایی که پیش از ساعت هفت آغاز شده بودند را نیز در حین اجرا نیمه‌کاره گذاشت و باعث سردرگمی تعداد زیادی از مراجعه‌کنندگان به این مجموعه شد. اجرای «به‌دهکده جهانی خوش آمدی بینوکیو» به کارگردانی مسعود موسوی که در تالار قشقایی قرار بود از ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه ویژه خبرنگاران و عکاسان به صفحه برود،



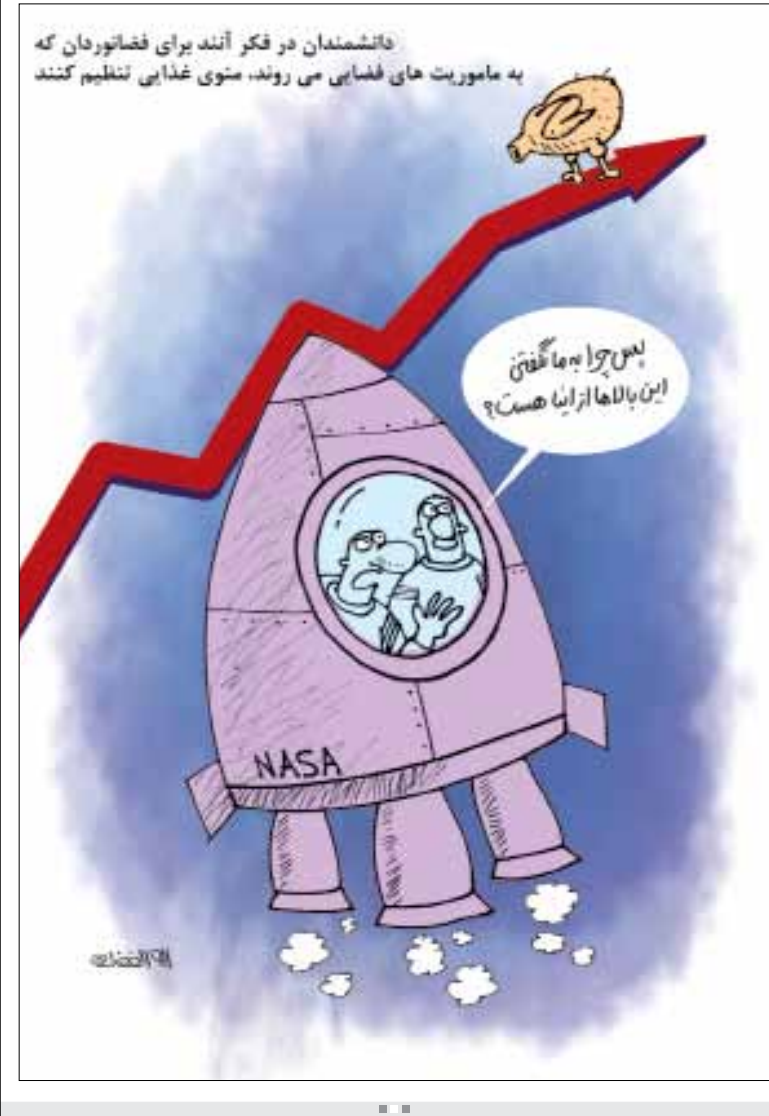
«چرجیل» جوان در گذشت

مهر: نسیمون وارد، بازیگر ۷۰ساله آمریکا و ایفاگر نقش «وینستون چرچیل» در «وینستون جوان» درگذشت. این بازیگر که سال‌ها دچار بیماری سختی بود، سرانجام روز گذشته در بیمارستانی در انگلستان درگذشت. وی در سال ۱۹۷۲ در نقش وینستون چرچیل بازی کرده بود، او توانست با بازی در نقش‌های زیادی در دهه ۷۰ و ۸۰ موفقیت‌های زیادی را برای خود کسب کند. گاردین از وی به‌عنوان یکی از تحسین‌برانگیزترین بازیگران دهه ۸۰ نام برده است.



ابوالفضل محترمی

untoons@gmail.com



برداشت آخر

ردگیری خبرهای پروژه ۷میلیاردی

قابل بررسی و مذاقه می‌باشد.»
شمقدری همچنین در بخشی از این یادداشت ضمن برشمردن فضایل و ویژگی‌های این فیلم و اسدالله نیک‌نژاد کارگردان آن گفته است: «برای کارنامه و وضعیت یک فرد شناخته شده که اتفاقاً همه رفتارها و فعالیت‌های او آشکار است، نمی‌توان در جایگاه قاضی نشست و برای وی حکم راند و در گستره یک رسانه او را متهم به خصایل ردیله کرد. درخصوص آقای نیک‌نژاد اگر بخواهیم قضاوت درستی داشته باشیم باید همه ابعاد حرفه‌ای و کاری وی را زیر نظر بگیریم و از طرفی با ماهیت فیلم‌سازی و روش فیلم ساختن در هالیوود آشنا باشیم.

آقای نیک‌نژاد قبل از سفر به هالیوود، کارنامه کاری خوبی دارد. فیلم مستند خاطرات صمد که با لهجه شیرین آذری‌اش از مقاومت رزمندگان و مردم خرمشهر در واپسین روزهای قبل از اشغالش می‌گوید، یکی از کارهای جذابی بود که مرد رم به پای تلویزیون می‌نشانند. باید گفت که من شاهد هم‌تلاشی چطور شهید آوینی مجذوب این کار شد و چه بسا بعدها الهام‌بخش کارهای وی در مجموعه روایت فتح شد.

فیلم سینمایی برنج خونین که به مطالبم و وابستگی رژیم شاه می‌پردازد، جزو اولین آثار سینمایی است که به مباحث قبیل از انقلاب می‌پردازد که متأسفانه سال‌ها بعد کمتر اثری در سینمای ایران به این مضامین ساخته شد. و بالاخره سریال معروف پاییز صحراست که اتفاقاً از طرف تندرخوا و افسران متعصبی همچون شما به آن اشکال فراوان گرفتند و مثل الان که برای فیلم لاله جوسازی می‌شود، علیه این سریال هم مطلبی شد تا جایی که مدیریت وقت صداسیما نگران موقعیت خود شد و موضوع به حضرت امام(ره) کشیده شد و آن رهبر شجاع و بصیر و مجتهد و فقیه آگاه فرمودند: من در این فیلم اشکال شرعی ندیدم و پخش آن بلامانع است.»در آخرین اظهارنظر «علیرضا سجادی‌پور» مدیرکل اداره نظارت ارزشیابی سازمان سینمایی از صدور مجوز تولید فیلم سینمایی «لاله» به کارگردانی «اسدالله نیک‌نژاد» و تهیه‌کنندگی مرکز گسترش مستند سینمای تجربی در هفته آینده خبر داد.
بازنویسی فیلمنامه فیلم سینمایی «لاله» توسط مشاور «جواد شمقدری» به پایان رسیده و به اداره نظارت ارزشیابی ارشاد تحویل شده است. اما به دلیل عدم برگزاری جلسه شورای بررسی به هفته آینده موکول شده است.

بوی جوی مولیان

به یاد پدر مهربان جغرافیا

عیسی برتاو

«نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می‌گسترد آنکه نهال نازک دستاش از عشق خدشت و پیش عصیانش بالای جهنم پست است. آن کو به یکی «آری» می‌میرد نه به زخم دود خنجر، و مرگش در نمی‌رسد مگر آن که از تب وهن دق کند.»

احمدشاملو

گویا مدتی است مرگ را خیال آن نیست دست از سر فرزانگان ما بردارد. گویا همچنان باید نظاره‌گر جلوه‌های حسرت و ماتم باشیم، اما آنچه بر همگان آشکار است آن است که «مردگان این سال، عاشق‌ترین زندگان بودند» هنوز مرگ دکتر ابراهیم یونسی، سیمین دانشور، منصوره حسینی، پرویز رحبی، دکتر افشار و دیگر فرهیختگان را فراموش نکرده بودیم که دوباره مرگ میهمان پیر و مرشد یک قرن جغرافیای وطن شد. به پاس احترام برای همه زندگان علم جغرافیه، دکتر شکویی، دکتر فرید و... اما باید گفت مرگ این جغرافیدان (زنده‌یاد دکتر محمدحسن گنجی) متفاوت از همه بود. لایذ ریستن وی نیز متفاوت بود. لایذ چون فرزندان وی نیز متفاوت از فرزندان دیگر پدران با وی رفتار کردند! بحق پدری مهربان بود اگرچه آنچنان که شایسته بود در حق وی فرزندی نکردند. بحق پدری مهربان بود، هیچ وقت نتواست گرفتار جبهه‌گیری‌های نظری فرزندان خود شود و همیشه از این خطای بزرگ فرزندان چشم‌پوشی کرد. هیچ وقت گمان و شک‌های فرزندانش وی را از تلاش و کوشش برای آبادانی و عشق ورزیدن به وطن باز نداشت، چون وی در هر دو دوره‌ای که زیست، تنها هدفش خدمت به وطن بود. میراثش بیابگر صداقت و هدف راستینی وی است. نیازی به تعریف و تمجید از پدر نیست. اگر چه در این راه، گرفتار تحمل رنج‌هایی شد و شاید هم سرنوشت هر اهل قلمی و عاشقی باشد که باید این مشقت‌ها را تحمل کند. بناید که پدر ما مرگش هم وطن و فرزندانش را تنها نمی‌گذارد.

خبر

یک ایرانی

بهترین شونده «رادیو چین» شد

■ **عمر ایران:** «حسن روح‌وند» استاد زبان انگلیسی از ایران به عنوان بهترین شونده رادیو بین‌المللی چین (CRI) برنده جایزه سفر به این کشور شد.
چندی پیش رادیو بین‌المللی چین (CRI) و دفتر مطبوعات منطقه خودمختار لوئیغور شین جیان به دنبال اجرای برنامه‌ای با عنوان «شین جیان از دریچه دوربین من»، از ۱۶ عکاس خبرنگار از کشورهای اسلامی از جمله ایران برای دیدار از منطقه مسلمان‌نشین شین جیان دعوت کرد. در یکی از فعالیت‌های جانبی این برنامه، شونده‌گان این رادیو با انتخاب بهترین عکس از عکاسان اعزامی و نوشتن احساس خود درباره آن در این سلباقه شرکت کردند تا بتوانند به عنوان یکی از بهترین شونده‌ها انتخاب شوند.
برگزاکر کنندگان برنامه نیز سفر به کشور چین و بازدید از منطقه شین جیان را به عنوان جایزه ویژه برای افراد برنده در نظر گرفته بودند که حسن روح‌وند از ایران برنده آن شد.
«حسن روح‌وند» در سفر به چین از منطقه مسلمان‌نشین «شین جیان» دیدار کرد.

قلیان سالم در کشور ساخته شد

■ **ایسننا:** مبتکر ایرانی با هدف مقابله با مضرات استعمال دخانیات، قلیانی طراحی کرده که به قلیان‌های معمولی مثل دود و صدا در آن از توتون استفاده نشده و دود حاصل از آن ترکیبی از بخار آب بی‌خطر از لحاظ تنفسی است.
قائم کیانیان، برگریده جشنواره جوان خوارزمی و مبتکر این قلیان است. وی درباره مشخصات فنی قلیان سالم گفت: در این پروژه با استفاده از فرآیندهای ارتعاشی مربوط به قطعات نیمه‌رسانا اثر مباحث فیزیک حالت جامد و ترکیب آنها با علوم ترمودینامیکی، برای اولین بار موفق به تولید ترکیبی از بخار آب با حالت دودمانند، قابل تنفس و استنشاق، خنثی و بی‌خطر برای بدن انسان شدیم که در این قلیان به عنوان ماده اصلی مصرفی، معرفی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. کیانیان با بیان اینکه این دستگاه به وسیله انرژی برق کار می‌کند، ادامه داد: در ساختار دستگاه به طور کامل از مواد بهداشتی با درجه کیفیت غذایی (Food Grade) استفاده می‌شود که کاملاً بهداشتی بوده و دارای آلاینده‌های بین‌المللی از لحاظ سلامت و بهداشت است. از جمله ویژگی‌های «قلیان سالم» برخورداری از دود مطبوع، طعم و بوی به مراتب بهتر، ظاهری مدرن و شکیل، استفاده آسان و صدای غلغل قلیان سنتی است.